

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

عرض شد که آیا عمل وسواسی که از روی اختیار صادر می‌شود از احکام خمس معنون به چه حکمی است؟
محقق خویی و شهید صدر فرمودند ما دلیل بر حرمت عمل وسواسی نداریم و مضمون صحیح **عبدالله بن سنان** که این بود او اطاعت شیطان می‌کند، **شهید صدر** با توضیحی فرمودند اطاعت از امور قصديه است، و او اینجا قربه الی الله انجام می‌دهد لذا اطاعت شیطان معنا پیدا نمی‌کند و گویا تعبیر در روایت مسامحی است.

عرض ما این است که **اولاً**: چنانچه در مقدمات اشاره کردیم وقتی عمل شخص وسواسی واکاوی می‌شود از او و پرس وجو می‌شود، او اقرار می‌کند که اینگونه تکرار را خدا از او نخواسته است ولی گویا یک الزام درونی او را وادار به انجام می‌کند که ذیل صحیح هم امام علیه السلام می‌فرمودند از او بپرسید که چرا این کار را تکرار می‌کند؟ می‌بینید جواب می‌دهد وسوسه است. عرض ما به **شهید صدر** این است که وقتی که خود عامل معتقد است این عمل برای خدا نیست و یک داعی دیگری است هزار بار به زبان بگوید قربه الی الله مگر این عمل عبادی می‌شود؟

لذا اینجا از مصادیقی است که کاملاً انسان می‌تواند ادعا کند لعب به امر مولاست و استهزاء به امر مولاست. . مولا به زبانه‌ای مختلف در روایات مختلف می‌گوید این تکرار را از تو نمی‌خواهم، اما او می‌گوید نه خدایا من انجام می‌دهم، تو نمی‌خواهی ولی من انجام می‌دهم این لعب به امر مولاست.

ثانیاً: اگر صحیح **عبدالله بن سنان** یک نحوه توجیهی داشته باشد که **شهید صدر** اشاره کردند، ما روایت معتبر دیگری داریم که نسبت به شخص وسواسی یک نهی و یک امر در آن هست.
ظهور امر و نهی در مولویت است لذا دوتا وظیفه شرعی این روایت برای شخص وسواسی درست می‌کند و اگر با این دو وظیفه مولوی مخالفت کند گناه کرده و عمل او حرام است .

روایت را ببینید صحیح **زراره** و **ابی بصیر**: «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ أَبِي بَصِيرٍ قَالَا قُلْنَا لَهُ الرَّجُلُ يَشْكُ كَثِيرًا فِي صَلَاتِهِ حَتَّى لَا يَذَرِي كُمَ صَلًى وَ لَا مَا بَقِيَ عَلَيْهِ قَالَ يَعِيدُ قُلْنَا لَهُ فَإِنَّهُ يَكْثُرُ عَلَيْهِ ذَلِكَ كَلَّمَا عَادَ شَكَ قَالَ يَمْضِي فِي شَكِّهِ ثُمَّ قَالَ لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بِنَقْضِ الصَّلَاةِ فَتَطْمَعُوهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ خَبِيثٌ يَعْتَادُ لَمَّا عَوَّدَ فَلْيَمْضِ أَحَدُكُمْ فِي الْوَهْمِ وَ لَا يَكْثِرَنَّ نَقْضُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَّاتٍ لَمْ يَعُدْ إِلَيْهِ الشَّكُّ قَالَ زُرَّارَةُ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا يُرِيدُ الْخَبِيثُ أَنْ يُطَاعَ فَإِذَا عُصِيَ لَمْ يَعُدْ إِلَى أَحَدِكُمْ»^۲.

اینجا یک امر است و یک نهی. «لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» این نهی ظهور در مولویت دارد و حرام است. حق ندارید کاری کنید که این خبیث عادت کند و مرتب به سراغ شما بیاید، «فَلْيَمْضِ أَحَدُكُمْ فِي الْوَهْمِ» صیغه امر است ظهور در وجوب دارد باید یکی از شماها کسی که مشکل دارد در همان وهمش برود و همان احتمال مرجوح مرجوح را بگیرد و نباید به شکش اعتنا کند. اینجا یک نهی داریم ظهور در مولویت دارد عجیب است که **محقق خویی** همه اینها را حمل بر ارشاد می‌کنند! به چه دلیل حمل بر ارشاد می‌کنید؟ ظاهرش مولویت است. و بعد جالب است امام علیه السلام به روشنی بر عمل وسواسی اطاعت الشیطان اطلاق می‌کنند و بعد می‌فرمایند به حرفش اعتنا نکنید و معصیتش کنید. بعد **شهید صدر** چگونه اینجا توجیه می‌کند اطاعت از امور قصديه است و اینجا مثلاً اطاعت الشیطان نیست.

نگاه ما این است که با توجه به این روایات بدون شبهه اگر احتیاط و تکرار عمل منطبق بر وسواس شد نه تنها حسنش از بین می‌رود بلکه باعث می‌شود این عمل وسواسی و اعتنای او به وسوسه شیطان یک عمل منهی عنه باشد.
دقت کنید برای کارورزی دو سه تا مثال اشاره می‌کنیم کتب فقهی را مراجعه کنید.

۱ - جلسه ۳۱ - مسلسل ۲۴۶ - سه‌شنبه ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

۲ - الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۳، ص: ۳۵۸.

مثال اول: جواهر الکلام ج ۱۷ ص ۱۸۳ در بحث اعتکاف «و من الحوائج طلب الاحتیاط فی غسل أو إزالة نجاسة و نحوها ما لم یدخل فی الوسواس، فان دخل فسد الاعتکاف..»

می فرمایند معتکف در مواردی جواز خروج از مسجد دارد. یکی از موارد حاجت و نیاز که معتکف از مسجد می تواند بیرون برود **صاحب جواهر** می فرمایند احتیاط در غسل یا ازاله نجاست است. احتیاط حسن است مجوز خروج در اعتکاف هم می شود از مسجد اما تا وقتی که عنوان وسواس بر این احتیاط منطبق نشود اگر عنوان وسواس داخل شد، دیگر بیرون آمدن مجوز ندارد حاجت شرعی نیست اعتکافش باطل می شود.

مثال دوم: صاحب عروه در **عروة الوثقی** می فرمایند: «إذا شك في صحة قراءة آية أو كلمة يجب إعادتها إذا لم يتجاوز و يجوز بقصد الاحتیاط مع التجاوز، و لا بأس بتكرارها مع تكرار الشك ما لم يكن عن وسوسة، و معه يشكل الصحة إذا أعاد (۳)»^۳.

اگر شک کند در صحت قرائت آیه ای یا کلمه ای باید اعاده کند اگر تجاوز از محل نبود احتیاطا می تواند اعاده کند، احتیاط حسن است مادامیکه عنوان وسوسة بر آن منطبق نشود.

حاشیه **محقق خویی** را در **عروة الوثقی** ببینید که می فرمایند هر چند وسوسة بر آن منطبق می شود ولی بعید نیست حکم به صحت نماز کنیم.^۴

یک نکته را اشاره کنیم که مواردی داریم تکرار عمل الان عنوان وسواس ندارد ولی اگر بر طبق احتیاط عمل کند و چند بار عمل را تکرار کند وسواسی می شود این وضعیت چگونه است؟

روشن است که مسئله برمی گردد به این مسئله اصولی وقتی عنوان وسواس حرام بود آیا مقدمه این حرام، حرام است یا نه؟ آنانی که می گویند مطلقاً مقدمه حرام، حرام است یا مقدمه موصله حرام است اینجا باید فتوا به حرمت دهند لذا عبارت **صاحب جواهر** در مباحث طهارت و نجاست را ببینید: «لكن مع ذل لا بأس بالاحتیاط..... نعم قد يكون ذلك مرجوحاً بالنسبة إلى عدمه إذا احتمل ترتب الوسواس عليه، كما أنه يحرم لو كان مقدمة له أو هو منشأه»^۵.

صاحب عروه در **کتاب الطهارة** بحث مفصلی در طرق حصول نجاست دارند. راههایی که انسان می تواند اطمینان پیدا کند شی نجس است یا تنجس دارد یا علم وجدانی است یا بینه عادل است «و فی کفایه العدل الواحد اشکال». اینکه اگر عدل واحد شهادت داد لباس نجس است آیا اعتنا کند یا نه؟ اشکال است.

بحثی است در اصول بحث کردیم آیا خبر عدل واحد در موضوعات حجت است یا نه؟ بحث کردیم گفتیم حجت است اما ایشان تردید دارند می فرمایند اگر عدل واحد گفت لباس نجس است اشکال است. دو وجه دارد اعتنا کند یا اعتنا نکند. بعد می فرمایند: «و فی کفایه العدل الواحد اشکال فلا یتبرک مراعاة الاحتیاط و ثبت أيضاً بقول صاحب الید بملک أو إجارة أو إعاره أو أمانة بل أو غصب و لا اعتبار بمطلق الظن و إن كان قویاً فالدھن و اللبن و الجبن المأخوذ من أهل البوادی محکوم بالطهارة و إن حصل الظن بنجاستها بل قد یقال بعدم رجحان الاحتیاط بالاجتناب عنها بل قد یکره أو یحرم إذا كان فی معرض حصول الوسواس»^۶.

بنابراین نکته اخیر این شد اگر عملی انجام دهد در معرض وسواس قرار گیرد و احتیاط و تکرار عمل، آنانی که می گویند مقدمه حرام، حرام است اینجا باید فتوا به حرمت این احتیاط و تکرار عمل بدهند.

این تمام کلام در عنوان اول، عنوان اولی که حسن احتیاط را از بین می برد عنوان وسوسة و وسواس است. عنوان دوم خواهد آمد.

۳ - العروة الوثقی (المحشی)؛ ج ۲، ص: ۵۳۵.

۴ - العروة الوثقی (المحشی)؛ ج ۲، ص: ۵۳۵ «(۳) لا یبعد الحكم بالصحة. (الخوئی)».

۵ - جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۶، ص: ۱۷۰.

۶ - العروة الوثقی (للسید الیزدی)؛ ج ۱، ص: ۷۳.